

## خمینی مسئول اصلی کشتار فرزندان خلق

نامه‌های فوق نشان می‌دهد که افشاگرهای حرب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی، درباره جنایات رژیم تا چه حد دقیق و مبتنی بر واقعیات بوده است. همگان به یاد دارند که پس از انتشار اخبار مربوط به کشتار زندانیان سیاسی در ایران، مقامات مسئول جمهوری اسلامی چگونه تلاش داشتند تا با انواع رباکاربها، این جنایات را با کلی انکار کنند و یا به نوعی به "عملیات مرصاد" ارتباط بدهند در ص ۲

چند روز پیش، متن نامه‌های منتظری به خمینی و هیئت ویژه رسیدگی به وضع زندانیان سیاسی انتشار یافت. این نامه‌ها به گویاترین وجهی واقعیات مربوط به کشتار زندانیان سیاسی را در معرض دید افکار عمومی ایران و جهان قرار می‌دهد. اهمیت این نامه‌ها از آنجاست که واقعیات مطروحه در آنها، برای اولین بار از زبان فردی بیان می‌شود که خود از موقعیت ممتازی در سیستم حکومتی "ولایت فقیه" برخوردار بوده است. در عین حال

نامه مردم  
از گان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۵۳ دوره هشتم سال پنجم  
سه شنبه ۱۵/۱۳۶۸/۲۰ بهار ۲۰۰۰ ریال

یادواره رفیق شهید حسین قلمبر

قهرمان بلند آوازه

شکنبه گاه در ص ۴

## "حجتیه" همچنان فعال است

در حال حاضر، عوامل حجتیه و سازمان‌های ما در آن یعنی "سیا"، "موساد" و "اینتلیجنس سرویس" در نهادها و وزارتخانه‌های گوناگون از جمله و بویژه وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات و وزارت آموزش و پرورش نفوذ گسترده‌ای دارند و سرگرم "خدمت" هستند.

اخیراً در پی پیام خمینی خطاب به روحانیون و طلاب که در آن حملاتی نیز به "انجمن حجتیه" شده بود، بطور پراکنده و ناپیکیر شاهد برخی موضعگیریه‌ها و هشدار باشاهای دست اندرکاران رژیم درباره فعالیت سازمانهای جاسوسی امپریالیستی همانند حجتیه و فراماسونری و ضرورت مقابله با آنها هستیم. از آن میان "روحانیون مبارز تهران" با صدور بیانیه‌ای از جمله "از دستکاهای امنیتی خواستند تا "خطر ماسونها ... و باندهای مرموز مذهبی نمائند حجتیه و روحانی نمایان منحرف را به دقت مورد نظر داشته باشند" (اطلاعات، ۶۷/۱۲/۱۶)، مجید انصاری، نماینده زرند، نیز در سخنان پیش از دستور خود "کار اطلاعاتی در نفوذگاههای حوزه‌ها و ... خصوصاً فراماسونری که بعد از انقلاب هیچ کاری روی آن نشده را ضروری دانست" (کیهان، ۶۷/۱۲/۱۹). همچنین موسوی لاری، نماینده تهران، از وزیر اطلاعات پرسید که "چرا در رابطه با مسائل مربوط به فراماسونری و تشکیلات آنها ... و نیز در مورد فعالیت‌های انجمن حجتیه حساسیت لازم را نشان نمی‌دهد؟" (کیهان، ۶۷/۱۱/۳۰).

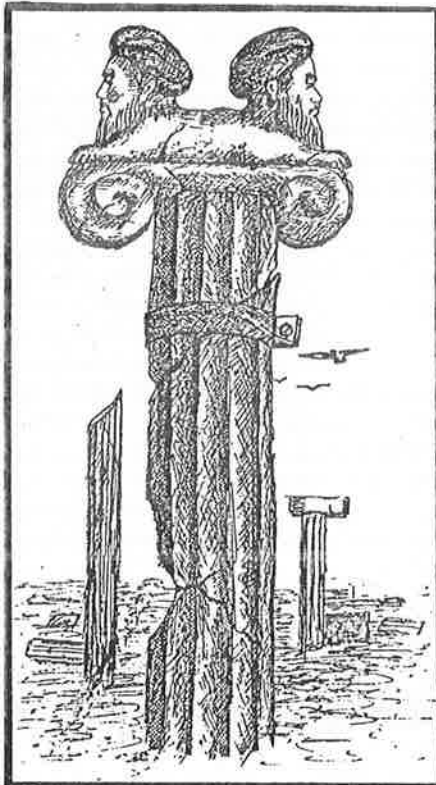
درباره فعالیت شبکه‌های سازمانهای جاسوسی امپریالیستی در ایران همانند "سیا"، "موساد"، فراماسونری و سازمان حجتیه، واقعیت روشن آنست که این سازمانها، پس از سرنگونی رژیم سارها وابسته شاه و پیروزی انقلاب بهمین، موفق شدند همچنان نفوذ گسترده خود را در نهادهای گوناگون دستگاه حکومتی کشور ما حفظ کنند. در بقیه در ص ۲

## زلزله در ارکان رژیم "ولایت فقیه"

سنگین و خطبری است که تحمیلی بیش از طاقت شما می‌خواهد و به همین جهت، هم شما و هم من، از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودیم و در این زمینه مثل هم فکر می‌کردیم... به این ترتیب خمینی اکنون آشکارا می‌گوید که از روز اول با انتخاب منتظری مخالف بوده و در تمام این مدت، او دستیارانش به مردم دروغ می‌گفته‌اند. در این میان خمینی چیزی هم طلبکار می‌شود و با وقاحت خاصی به منتظری گوشزد می‌کند: "برای اینکه اشتباهات

شما فروردین، یعنی چند روز پس از تهدید آشکار خمینی علیه منتظری و اظهار این مطلب که با هیچکس عهد اخوت دائمی نبسته است، جلسه هیئت رئیسه مجلس "خبرگان" در حضور خمینی تشکیل گردید. "صدای جمهوری اسلامی" گزارش داد: "در این دیدار که بمدت یکساعت بطول انجامید، در مورد رهبری آینده نظام جمهوری اسلامی گفتگو و تبادل نظر شد. دوروز پس از آن فاش گردید که پیش از این نشست، خمینی نامه‌ای به منتظری نوشته و به او دستور داده است "ذواطلبانه" از سمت خود - قائم مقام ولی فقیه - استعفا بدهد. متن این نامه خمینی که احتمالاً برای "ولی فقیه" بیش از اندازه رسواکننده بوده منتشر نشده است.

هفتم فروردین منتظری به نامه خمینی پاسخ می‌دهد و می‌گوید: "... خود را ملزم به اطاعت و اجرای دستورات حضرتعالی می‌دانم". منتظری که خود شاهد جنایات بی‌شمار خمینی و دستیارانش در سالهای گذشته بوده و خوب می‌داند که معنا و مفهوم "دستورات" او چیست، زیر فشار همه جانبه خود را مجبور به عقب نشینی می‌بیند و می‌نویسد: "... و راجع به تعیین اینجانب بعنوان قائم مقام رهبری، خود من از اول، جدا مخالف بودم. با توجه به مشکلات زیاد و سنگینی بار مسئولیت، همان وقت به مجلس خبرگان نوشتم که تعیین اینجانب به مصلحت نبوده است و اکنون نیز عدم آمادگی خود را صریحاً اعلام می‌کنم و از حضرتعالی تقاضا می‌کنم به مجلس خبرگان دستور دهید مصلحت آینده اسلام و انقلاب و کشور را فاطحانه در نظر بگیرند". خمینی که می‌دانسته بر کنار کردن منتظری با واکنش‌های گوناگون در درون، پیرامون و بیرون از حاکمیت خواهد شد، از وی خواسته است در پایان نامه خود به "اشتباهات" خویش اعتراف کند و از همه برادران و خواهران عزیز و علاقمند تقاضا کند "مبادا در مورد تصمیم مقام معظم رهبری و خبرگان محترم به بهانه حمایت از من کاری انجام دهند و یا کلمه‌ای بر زبان جاری نمایند...".



گذشته تکرار نکردد، به شما نصیحت می‌کنم که بیت خود را از افراد ناصالح پاک نمایید و از رفت و آمد مخالفین که به اسم علاقه به اسلام و جمهوری اسلامی خود را جا می‌زنند جدا جلوه‌گیری کنید". از جمله اخیر ضمناً چنین بر می‌آید که خمینی از تبدیل شدن بقیه در ص ۲

ما راه پرافتخار شهیدان توده‌ای را ادامه خواهیم داد!

## حجتیه "همچنان" ...

دهسال گذشته، آنها بعنوان عاملان سازماندهی و اجرای توطئه‌های رنگارنگ علیه انقلاب بهمین و مردم ایران عمل کردند و زمینۀ گسترش نفوذ امپریالیسم و پایگاه داخلی یعنی کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی را فراهم آوردند.

اینکه سازمانهای "ساواک" ساخته‌ای همانند حجتیه که درپوش مبارزه بابهاثیت شکل گرفتند، و علیرغم شهرور خاص و عام بودن بسیاری از رهبران و عواملشان بخلاف نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ترفیخواه، آماج پیگرد و بیورش و بازداشت و زندان با اعدام قرار نگرفتند، از این حقیقت ریشه می‌گیرد که آنها نفوذ وسیعی دربین روحانیت و بطور کلی دستگاه حاکمه دارند و درعین حال پایگاه افشار و طبقات غارتگر اجتماعی که آنها بیانگر نظرات و منافعیان هستند، در سالهای بعد از انقلاب دستخوش هیچ تحول اساسی نگردید. بدینکسخن، چون بسیاری از روحانیون و کارکنان بانفوذ در جمهوری اسلامی از رهبران و فعالان حجتیه یا پشتیبانان آن بحساب می‌آیند و میان سیاست و عملکرد رژیم در دفاع از کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران و بسیاری از خواستهای حجتیه در زمینه اجتماعی - اقتصادی، در مقاطع گوناگون، همخوانی وجود داشته، این سازمان و طبعا دیگر سازمانهای جاسوسی زیر ضربه قرار نگرفتند و برعکس عوامل کارآمد و آموزش دیده، آنها بکار گرفته شدند. در سال ۶۲ رفسنجانی در پاسخ به پرسش خبرگزاری ژاپنی "کیودو" مبنی بر اینکه "آیا فعالیت انجمن حجتیه علیرغم فرمان امام صحت دارد و چنانچه صحت داشته باشد اعضای این گروه مجازات می‌شوند" گفت: "اینها الان فعالیت رسمی بعنوان انجمن حجتیه ندارند ... ولی این آقایان عیب آنچنانی ندارند که مجازات شوند ... بسیاری از

اینها اکنون در نظام جمهوری اسلامی شاغل هستند ... کار می‌کنند و کسی هم مزاحم آنها نیست، آنها هم مزاحمتی برای جمهوری اسلامی ندارند و خدمت هم می‌کنند" (اطلاعات، ۲۰/۱۱/۶۲).

برای روشن شدن ماهیت سازمان حجتیه و "خدمت" حجتیه‌ایها خاطرنشان می‌سازیم که به نوشته "اطلاعات" (۱۲ شهریور ۶۲) "همکاسکی (حجتیه) با رژیم (شاه) و آمریکا اظهارنظر مثبت است." "حجتیه‌ایها) قبلا هم عامل بیگانگان و پولداران بودند، حالا هم هستند" (نماینده، میانه، اطلاعات، ۸/۱۱/۶۲). در حال حاضر، عوامل حجتیه و سازمانهای مادر آن یعنی "سیا"، "موساد" و "اینتلجنس سرویس" در نهادها و وزارتخانه‌های گوناگون از جمله و بویژه وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات و وزارت آموزش و پرورش نفوذ گسترده‌ای دارند و سرگرم "خدمت" هستند.

نیاید از نظر دور داشت که حجتیه و دیگر سازمانهای ساخته و پرداخته امپریالیسم که در ایران سرگرم فعالیت هستند در شکل‌دهی روندها و پدیده‌های گوناگون در ارتباط با زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی کشور در چارچوب تحکیم نظام سرمایه‌داری وابسته، برقراری مناسبات با کشورهای امپریالیستی و افشاندن بدر کمونیسم ستیزی، نقش بسیار جدی و گاه تعیین کننده ایفا می‌نمایند.

با توجه به واقعیات پیش گفته اگر امروز خمینی فریاد خود را علیه حجتیه بلند می‌کند، بخاطر آنست که بیش از هر زمان موقعیت خود، رژیم "ولایت فقیه" و فشر روحانیت در جامعه را از همه سو متزلزل می‌بیند. آشکار است تا زمانیکه در سنگری سیاست داخلی و خارجی رژیم تغییر اساسی بوجود نیامده است و عوامل حجتیه چتر حمایت خامنه‌ای‌ها و رفسنجانی‌ها و دیگر سرمداران مرتجع جمهوری اسلامی را بر سر دارند و به فعالیت این مزدوران امپریالیسم پیشم "خدمت" تکیسته می‌شود، دامنه حمله به حجتیه از حد حرف و برخی پرخاشگریهای موضعی کوتاه برد فراتر نخواهد رفت.

## زلزله در ارکان رژیم ...

خانه منتظری به پایگاهی برای نیروهای معینی در حاکمیت و بیرون از آن، در سالهای اخیر، شدت نگران و خشمگین بوده و پیوسته می‌کوشیده است این "لانه فساد" را ویران سازد.

گر چه میان خمینی و منتظری بمثابه دو روحانی معتقد به حکومت مذهبی تفاوت اساسی وجود ندارد و در اشتباهات سهمگین اقتصادی و اجتماعی که طی سالهای "حکومت مطلقه" ولی فقیه انجام گرفته هر دوی آنان سهم معین خود را داشته‌اند، ولی با اینهمه نقش شخصیت‌ها و کیفیات انسانی و اخلاقی آنان در تأثیرگذاری بر روند رویدادها را نیز نمی‌توان و نیاید نادیده گرفت. منتظری دارای روحیاتی متمایز از خمینی است و در این سالها، بارها مخالفت خود را با زیاده روی‌ها، سانسور مطبوعات و بستن دهان حتی معتقدان به "اسلام و انقلاب" نشان داده است. اما خمینی وجود چنین روحیاتی را در رهبر، برای آینده رژیم "ولایت فقیه" سم مهلک می‌داند. از دیدگاه خمینی رهبر "نظام اسلامی" باید مانند خودش سفاک و خونخوار و خودکام، باشد و بدون اینکه دستش پلزد، مثلاً فرمان قتل‌عام چندین هزار زندانی سیاسی را امضا کند.

یکی از گناهان نابخودنی منتظری و یکی از

علل برکنار کردن او بی‌گمان رسوا ساختن خمینی بمثابه کسی است که دستور قتل جمعی زندانیان سیاسی را در ماههای مرداد و شهریور سال گذشته صادر کرده است. منتظری با این اقدام که بزم خود در راستای "مصلحت اسلام و انقلاب و کشور و حیثیت ولایت فقیه و حکومت اسلام" انجام داده، خواه ناخواه ضربه مهلکی بر رژیم خمینی وارد کرده است. بی‌جهت نبود که در چند ماه گذشته، هم شخص خمینی که ای بسا تظاهر به رک گوئی و صراحت لهجه و شجاعت می‌کند و هم دستیارانش که دستورنگین او را اجرا کرده‌اند پیوسته می‌کوشیدند با استفاده از انواع شگردها و ترفندها و جنگ انداختن به هر خس و خاشاکی منکر جنایات خود شوند. آنان از پیامدهای مهلک فاش شدن "راز مگو" بخوبی آگاه بودند. اما بخش شدن فتوکپی نامه‌های منتظری به خمینی و ماموران اجرای "دستور امام"، که در "نامه مردم" هم منتشر شد، خمینی و دیگر گردانندگان رژیم "ولایت فقیه" را در برابر نسل کنونی و نسلهای آینده، بمثابه جنایتکاران ددمشی که به هیچ یک از موازین اخلاقی و انسانی پای بند نبوده‌اند افشا کرد و همزمان با آن سرشوت منتظری را رقم زد.

حوادثی که این روزها در ایران می‌گذرد، نه تنها بیانگر بی‌اعتباری مطلق رژیم "ولایت فقیه" است، بلکه ناتوانی و پاسخگویی زمان نبودن حکومت تئوکراتیک را نیز نشان می‌دهد. تلاشهای رژیم در ماههای اخیر برای نشان دادن اینکه پس از

## تاطلسمی ...

رهروانی یا نهاده در سفر از خطر آگاه و از خود بی‌خبر هر یکی در سر نهاده رای خود مگرده در این ره سراسر سعی خود آن یکی خواهد که آبادان کند کاخ جور ظلم را ویران کند دیگری با پرچم داس و تیر می‌زند بر سینه سنگ کارگر سومی از خشم همچون شیر نر یک تنه می‌تازد اما بی‌ثمر و آن دگر با جد و جهدی تیزتر راه می‌پوید به کژراه سحر راه بیرون کی بری زین دامکه تا ندانی رسم و آئین سفر تیغ دشمن کرده جاری سیل خون دوره بیداد کشته مستقر

یا به زنجیر است یا بر اوج دار از هر آن یاری که می‌جوید خبر زخم‌ها بر تن فراوان است، لیک زان تیر این زخم کاری بر جگر کس ندارد چشم دیدار کسی هر کسی خود را شناسد راهبر چون معما می‌نماید این شکفت ناشده مکشوف بر اهل نظر دشمنان را اتفاق افتاده است کز نفاق ما بسی خیزد خطر تاطلسمی این چنین بر جای هست کار مردم می‌شود دشوارتر

بهمین ۶۷

شکست خوردن در جنگ از توبه ثبات نسبی دست یافته است و داد و فالی که پیرامون آزادی فعالیت احزاب، عفو عمومی و غیره بر اه انداخت، اینک با شکست کامل روبرو شده است.

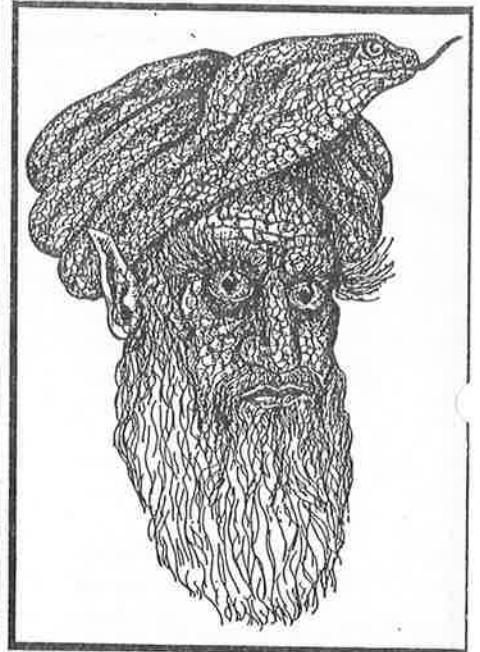
ناکامی رژیم "ولایت فقیه" در جنگ که خود حاصل غوطه‌ور شدن در بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی بود، در واقع معنایی جز شکستن ستون فقرات سیاست "صدور انقلاب" یعنی بزرگترین شکست سیاسی - ایدئولوژیک آن و مرگ سیاسی خمینی نمی‌توانست داشته باشد. بسیاری از رویدادها و روندهایی که پس از پذیرفتن آتش بس در میهن ما می‌گذرد، از جمله تشدید بی‌ثباتی و بی‌اعتباری سیاسی رژیم و بالا گرفتن اختلافات در درون حاکمیت، اساساً نتیجه منطقی این شکست سرشوت‌ساز برای نظام جهل و جنایت است.

اعمال دیکتاتوری کامل قرون وسطایی از سوی خمینی نشانه تضعیف باز هم بیشتر موقعیت رژیم در میان مردم و حتی نزد روحانیون است. دیگر برای هیچکس داشتن عهد اخوت با این بزرگترین جنایتکار تاریخ معاصر ایران مایه افتخار نیست. همه مسلمانان مؤمن و صادق باید هر چه زودتر تکلیف خود را با خمینی و دستیاران جنایتکارش روشن کنند و صف خود را از صف آنان جدا سازند.



## تغییر قانون اساسی با چه هدفی؟

## خمینی مسئول اصلی کشتار... .



دهند. با انتشار این نامه‌ها افکار عمومی ایران و جهان یکبار دیگر می‌توانند درباره میزان راستگویی و درجه پایبندی سران مرتجع رژیم جمهوری اسلامی به "اخلاق اسلامی" به قضاوت بنشینند. نامه‌های منتظری ثابت کرد که واقعیت همان بود که نیروهای انقلابی می‌گفتند: بدنبال دستور خمینی آدمکشان رژیم "چندین هزار نفر" را در طرف "چند روز" اعدام و در گورهای جمعی مدفون ساخته‌اند و مسئولیت اصلی در این جنایت هولناک بعهده شخص خمینی است. هم اوست که پس از شکست نقشه‌های توسعه طلبانه اش، ناامید و سرخورده، از ترس جنبش انقلابی مردم و به قصد انتقام گیری از مبارزات انقلابی و صلح طلبانه خلعهای ایران دستور قتل عام زندانیان سیاسی را صادر کرده است.

منتظری در نامه خود به خمینی، از او می‌خواهد که اگر بر دستور خود درباره اعدام زندانیان "اصرار" دارد، حداقل از کشتار زنان، بخصوص زنان بچه دار، خودداری کند. آنگونه که از لحن نامه استنباط می‌شود، ظاهراً وی پیش از نوشتن این نامه نیز به آنها گوناگون کوشیده است تا خمینی را از تصمیم فوق منصرف کند، اما موفق به این کار نشده است. اشاره منتظری به "اصرار" خمینی درباره اعدام زندانیان سیاسی پرمعناست و به گویاترین وجهی ابعاد هولناک استبداد فردی و سیطره رژیم "ولایت فقیه" را بر ملا می‌کند. تحت سلطه این رژیم قرون وسطایی حتی "قائم مقام رهبری" هم از امکان تأثیرگذاری بر تصمیمات ولی فقیه یا حداقل تعدیل آنها محروم است. او نیز چون دیگر آحاد مردم باید تأیید کننده صرف تصمیمات و اقدامات "رهبری" باشد و گر نه عنصر "گول خورده‌ای" است که "تحت تأثیر تلقینات استکبار جهانی" قرار گرفته و باید "بی هیچ گذشتی" طرد شود. کنار گذاشتن منتظری از مقام "قائم مقام رهبری" شاهد زنده عملکرد نظام استبداد قرون وسطایی "ولایت فقیه" است.

منتظری در نامه خود می‌نویسد: "افرادی که بوسیله دادگاه‌ها با موازینی در سابق محکوم به کمتر

ضرورت با عدم ضرورت "برخی اصلاحات" در قانون اساسی یکی از موضوعهای مورد بحث در محافل گوناگون حاکمیت ج.ا. است. این امر، بویژه در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قوت گرفته است.

در جامعه ما، از همان بدو تصویب قانون اساسی، تدوین و تصویب متمم آن مورد نظر نیروهای گوناگون سیاسی - اجتماعی بوده و هست. در این رابطه، مهمترین هدف حذف اصل "ولایت فقیه" از قانون اساسی است. مردم می‌دانند، تا زمانی که حکومت خودکامه و تئوکراتیک "ولایت فقیه" در جامعه وجود دارد، راه آزادی و دمکراسی و پیشرفت در جامعه بسته است. این است که خواست عمومی مردم برداشتن این سد "قانونی" است. علاوه بر آن حذف "شورای نگهبان" و دیگر نهادها از بالای سر مجلس، حذف اصل ارتجاعی "قصاص" از قانون اساسی و غیره هدف مردم است. کوتاه سخن متمم قانون اساسی وقتی می‌تواند مورد تأیید مردم باشد که زمینه استقرار رژیم دمکراتیک را فراهم آورد.

اما سران ج.ا. از "انجام اصلاحاتی در قانون اساسی" هدف‌های دیگری را دنبال می‌کنند که در چارچوب درگیریه‌ها بر سر قدرت و منافع گروهی قابل بررسی است. امروزه، همانطور که در آغاز گفته شد، سخن از انتخاب رئیس جمهوری جدید است. روزنامه "اطلاعات" در گفتگو با نخست وزیر پیش بینی می‌کند که نیمه اول سال ۶۸ "صرف انتظار و انتخاب رئیس جمهور می‌شود و نیمه دومش صرف انتخاب دولت". این روزنامه از "رکود" ناشی از انتخابات یاد شده سخن به میان می‌آورد. در این

راستا، با پایان گرفتن دومین دوره ریاست جمهوری خامنه‌ای، این بار عمدتاً برای دستیابی هاشمی رفسنجانی به این مقام زمینه‌سازی می‌شود. مسئله این است که راست‌ترین محافل حاکمیت می‌خواهند با حذف پست نخست وزیر و بی‌اتاقی و اختیارات وی به رئیس جمهور آینده پایه‌های قدرتشان را محکم سازند. و در این روند، این محافل می‌کوشند که اگر نتوانند پس از انتخابات ریاست جمهوری، نخست وزیر فعلی را از سر راه بردارند، لااقل از اختیارات "قانونی" وی، تا حد ممکن بکاهند. این روند مدتی طولانی است که آغاز شده است. در حالیکه جناح مقابل، به گفته موسوی نخست وزیر، "طبیعی‌ترین جا" برای تمرکز قدرت اجرائی و سیاسی را "داخل هیئت دولت" می‌داند. نخست وزیر ج.ا. در گفتگوی دو ساعته با روزنامه "اطلاعات" می‌گوید: "زمانی بخاطر مصلحت طلبی تصمیم گرفته شد مسئله برنام‌ریزی کشور از نخست وزیر منتزع شود. ما در همان زمان گفتیم که این یک فاجعه است. الان هم بنده می‌گویم این موضوع یک ضایعه در کشور است. خود این مسئله یک نوع مشکلاتی را در تصمیم گیری، اجرا، سیاست‌گذاری و پرآکنندگی ایده‌ها ایجاد می‌کند و این مهم نیست که در یک دوره نخست وزیر از نظر قدرت اقتصادی ضعیف و یا قوی شود، بلکه عملاً ما زمینه کار در شرایط سخت را از کسی که او را بر سر کار گذاشته ایم می‌گیریم و او را دچار مشکل می‌کنیم. این فرد، هر کس می‌تواند باشد. ممکن است در این دوره بنده باشم و در دوره بعد برادری دیگر". این جناح مخالف سپردن مسئولیت اداره کشور به ریاست بقیه در ص. ۸

می‌شد - با ناباوری برخورد می‌کردند. این ناباوری و تردید در واقع بیانگر دره عمیقی بود که معیارها و تفکر بشریت مترقی را از معیارها و تفکر رژیم قرون وسطایی "ولایت فقیه" جدا می‌کند. اینک نامه‌های منتظری در اختیار همگان قرار دارد و وجدانهای بیدار جهان با مطالعه آنها می‌توانند پیش از این ابعاد جنایت‌های اخیر آگاهی یابند. در واقع قربانیان رژیم نه دستگیر شدگان و کشته شدگان "عملیات مرصاد" بلکه چندین هزار نفری بودند که به نوشته منتظری "از سابق" در زندانها بودند و هیچ "فعالیت تازه‌ای" نیز انجام نداده بودند.

افشاگریهای گسترده نیروهای انقلابی در داخل و خارج از کشور، طی ماههای پس از کشتار جمعی زندانیان سیاسی، نتایج مثبتی ببار آورد. در داخل کشور تنفر توده‌های مردم از رژیم فروتر شد. مردم به اشکال مختلف با خانواده‌های شهدای فاجعه ملی ابراز همبستگی کردند. در خارج از کشور نیز رژیم جمهوری اسلامی در اکثر مراجع بین المللی محکوم شد و آسوی بشریت انسان دوست و مترقی به عنوان یکی از سیاهکارترین رژیم‌های سده اخیر مورد ارزیابی قرار گرفت. انتشار نامه‌های منتظری فرصتی است تا یکبار دیگر درباره رژیم "ولایت فقیه" به روشنگری پرداخت. باید با استناد به مندرجات این دو نامه دورویی و تزویر مسئولین دولتی را که برای فریب افکار عمومی، بخصوص در داخل کشور، به هر ترفندی دست می‌زنند به وسیع‌ترین شکل افشا کرد. قاتلین فرزندان پرورنده خلق را باید تا به آخر رسوا ساخت.

یادواره رفیق شهید حسین قلمبر، قهرمان توده ای و عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران

## قهرمان بلند آوازه شکنجه گاه



رفیق حسین پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۵۲ به اتفاق جمعی از بهارانش گروه کوچکی تشکیل داد و در ارتباط با سازمان چریک های فدائی خلق قرار گرفت. از اواسط سال ۱۳۵۳ اجباراً وارد زندگی مخفی شد. این دوران که تا بهروزی انقلاب بهمن و سرنگونی رژیم شاه به درازا انجامید، با مشکلات و خطرات بسیار توأم بود. تیزهوشی، سرعت انتقال و جسارت فوق العاده رفیق طی این مدت بارها به پاریس آمد و او توانست به دفعات از دام هایی که "ساواک" بر سر راهش گسترده بود، سالم بدر آید.

رفیق حسین در آبان ماه ۱۳۵۵، در حالیکه عضو شورای مرکزی سازمان چریک های فدائی خلق بود، همراه گروهی از هم روزانش از آن سازمان جدا شد. این گروه، معروف به "گروه منشعب" پس از چند ماه کار مطالعاتی در اوایل سال ۱۳۵۶ به حزب توده\* ایران پیوست. پس از آن تمام نیرو و شور مبارزاتی رفیق حسین و یارانش به امر پیشبرد مبارزه\* حزب اختصاص یافت.

پس از بهروزی انقلاب بهمن، رفیق قلمبر مسئولیت های گوناگونی را در دبیرخانه\* حزب عهده دار شد. زندگی نشان داد که حزب در انتخاب وی به برخی مسئولیت های خطیر برخاسته بود. رفیق قلمبر با شایستگی، مانند یک کمونیست واقعی و طایف و مسئولیت های حساس خود را به انجام می رساند. او به خاطر خصائل عالی اخلاقی و انسانی، پیگیری و جدیت، و وظیفه شناسی و وقت شناسی مورد اعتماد و احترام عمیق همکاران و رفقایش بود.

رفیق حسین در پلنوم هفدهم کمیته\* مرکزی حزب به عضویت مشاور کمیته\* مرکزی حزب توده\* ایران برگزیده شد. پس از یورش اول به حزب، وی به سهم خود با تمام توان و نیرو برای برقراری ارتباطات گسیخته شده و جمع آوری امکانات ضربه خورده\* حزب به کار پرداخت. از آنجا که رفقای حزبی در بسیاری از بخش های تشکیلات به رفیق اعتماد کامل داشتند، او توانست در کار جمع آوری رفقا و برقراری ارتباطات مجدد نقش مهمی ایفا کند. سراسر فاصله\* یورش اول تا یورش دوم با کار شبانه روزی و فداکارانه\* رفیق برای خنثی کردن ضربه\* پلیس متمایز می شد. رفیق حسین در جریان یورش دوم به حزب بازداشت و روانه\* شکنجه گاه شد. وی از جمله رفقای بود که بدلیل سابق طولانی مبارزاتی مورد کین و نفرت حیوانی شکنجه گران قرار داشت. شکنجه های وحشیانه، سلول انفرادی و انواع آزارهای جسمی و روحی نتوانست اراده\* پولادین رفیق حسین را درهم بشکند. در گزارش های متعددی که درباره\* زندانیان سیاسی به "نامه\* مردم" رسیده از "سیامک" در زمره\* کسانی نام برده شده که سرمشق پایداری بودند. هرگاه رژیم میخواست زهرچشمی از زندانیان سیاسی بگیرد، رفیق حسین از اولین کسانی بود که به سلول انفرادی انتقال می یافت، بطوری که بخش عمده ای از مدت پنج سال و نیم زندان را در سلول انفرادی

فرزند متواضع و مهربان جنوب، انسان بی آلیش و خوتنرم، قهرمان رزم و زندان، رفیق حسین قلمبر، از جمله رفقای بود که در جریان فاجعه\* ملی کشتار زندانیان سیاسی به شهادت رسید و به خیل اخترهای درخشانی پیوست که همواره الهام دهنده\* کمونیست های ایران در رزم برای ایرانی آزاد و شکوفا هستند. رفیق حسین را در تشکیلات بنام "سیامک" می شناختند. او برای همه\* همزمانش رفیقی قابل اعتماد و دوستی صادق و صمیمی بود. سیامک که از میان مردم رنج دیده\* خوزستان برخاسته بود، تا آخرین دم زندگی برای سعادت آنها رزمید و بالاخره جان را در این راه فدا کرد...

رفیق قلمبر در سال ۱۳۲۱ در اهواز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در این شهر به پایان رساند. در سال ۱۳۵۰ وارد دانشگاه صنعتی تهران شد و در رشته\* مهندسی برق به تحصیل پرداخت. ورود رفیق به دانشگاه با سالهای اوج گیری مجدد جنبش ضد رژیم، بخصوص در دانشگاه ها، همراه بود. در این سالها اطاق های "کوهنوردی" در دانشگاه ها عملاً مرکز تجمع دانشجویان انقلابی و میهن پرست بود. رفیق حسین مدت کوتاهی پس از ورود به دانشگاه به یکی از فعالان مبارزات صنفی-سیاسی دانشجویان تبدیل شد و در اداره\* اطاق کوهنوردی دانشگاه نقش برجسته ای به عهده گرفت. در جریان سفر نیکسون به تهران در سال ۱۳۵۱، تظاهراتی به نشانه\* اعتراض به این سفر از سوی دانشجویان ترتیب یافت. رفیق قلمبر که در این تظاهرات شرکت داشت، از سوی "ساواک" بازداشت و به یک سال زندان محکوم شد. دوره\* زندان و آشنایی نزدیک با بسیاری از مبارزان در بند، عزم او را در مبارزه با رژیم خیانکار شاه بیشتر کرد و در عین حال بردانسته ها و اطلاعاتش افزود.

## باقامت آفتابی ات

به سیامک

باقامت آفتابی ات می گفتند؛  
تاریک شدن تورا و ما را ماندن.  
می دانستند  
در پرتو آفتاب شبکوران را  
خواهند شناخت مردمان، می گفتند؛  
ما را چه نیاز ووشنایی؟

داری  
برپای بد اشنتد و گفتند؛ آری  
تاریک شدن تورا و ما را ماندن.

امروز تو باز آفتابی شده ای  
می بینمت - و بر تو ما راست نماز  
زیرا  
ما مردم را به آفتاب است نیاز

جلال سرفراز  
۲ اسفند ۶۷

گذراند.

می گویند شرایط دشوار انسانهای استوار را استوارتر و شخصیت آنها را والاتر می سازد. رفیق قلمبر از جمله مصداقهای این بیان زیباست. نامه هایی که وی طی مدت اسارت خود از زندان به همسر و فرزندانش می نوشت، نشان می دهد که شکنجه ها و فشارهای حیوانی گراژهای رژیم برای درهم شکستن او نه تنها کارگر نیفتاد بلکه گوهر انسانی او را صیقل داده و گرانقدرتر ساخته است. رفیق قلمبر در چارچوب تنگ نامه های ارسالی از "اوبین"، در قالب جملات کوتاهی که برای خانواده اش می نوشت، عشق به زندگی، عشق به حزب و عشق به خانواده و فرزندانش را ابراز می کرد. روح حساس و لطیفی که درورای کلمات این نامه ها موج می زند، براسنی تکان دهنده است. لطافتی که نشان رنج بر خود دارد. رنج به خاطر انسانها و انسان زیستن. در سیمای رفیق حسین اراده\* پولادین و آشتی ناپذیری در برابر دشمن با عشقی لطیف و صادقانه به خلق، میهن، حزب و خانواده اش در هم آمیخته بود. آدمکشان رژیم "ولایت فقیه" چنین انسانی را از دامن خلق ربودند. بیاد رفیق حسین قلمبر، این فرزند سرفراز و شایسته\* زحمتکش همواره جاودان خواهد بود.



جاوید باد خاطره تابناک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

## هنرمندی که دق کرد

اخیرا روزنامه‌های مجاز خبر درگذشت عزت‌الله مقبلی، هنرمند رادیوتلوویزیون، تئاتر و دوبلاژ را منتشر ساختند.

مرگ این هنرمند تاجر هنردوستان را از دو جهت برانگیخت. اول اینکه یک هنرمند مردمی و با استعداد را از دست داده‌اند، هنرمندی که بارها در صحنه تئاتر و در صفحه تلویزیون با تماشاگران نوعی ارتباط عاطفی و انسانی برقرار کرده بود. دوم، و مهمتر، اینکه عزت‌الله مقبلی در سوگ شهادت فرزند برومندش مسعود مقبلی جان سپرد، و با بهتر بگوئیم دق کرد.

مسعود مقبلی در جریان فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی کشور اعدام شد. از پدرش خواسته بودند برای دریافت وسایل فرزند از دست رفته به زندان مراجعه کند. او وسایل را تحویل گرفت و از همان راه مستقیما به ساختمان محل کارش (تلویزیون) مراجعه کرد و استعفا داد. ساعتی بعد، هنگامی که به خانه‌اش رسیده بود، در اثر فشار روحی ناشی از اعدام فرزندش، دچار سکته قلبی شد. مقبلی به کمک دوستانش در تلویزیون برای معالجه به فرانسه اعزام شد. اما، معالجات موثر واقع نشد و این هنرمند انسان‌دوست جان سپرد. او هنگام بدرود با زندگی ۵۵ سال پیش نداشت.

در ۲۳ دی‌ماه سال ۶۷، در مسجد

"حجت‌بن‌الحسن"، واقع در خیابان سهروردی تهران، انبوهی از مردم در مجلس بزرگداشت مقبلی شرکت کردند. مرجعیت پیش از آن بود که فضای مسجد بگنجد. تاجر ناشی از دست رفتن یک هنرمند و خشم ناشی از جنایت‌های رژیم انبوه شرکت‌کنندگان و بزرگ‌دارندگان عزت‌الله مقبلی را به هم نزدیک‌تر ساخته بود. یاد این هنرمند شایسته را گرامی می‌داریم.

## رفیق سرهنگ رحیم ژیان فر

## قربانی شکنجه‌شد

رفیق سرهنگ رحیم ژیان فر از "افسران خراسان" بود که در جنبش خلق آذربایجان شرکت داشت. پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد به بند افتاد و سپس آزاد شد. در سال ۵۷، با پیروزی انقلاب و آغاز فعالیت علنی حزب، رفیق ژیان فر نیز به فعالیت انقلابی‌اش در صفوف حزب توده ایران شکل آشکار داد. در سال ۶۲، در جریان یورش سراسری به حزب، گذار رفیق ژیان فر دوباره به زندان افتاد. باز هم شکنجه‌های جسمی و روحی، و بازهم دفاع از اندیشه‌ها و آرمان‌های انقلابی حزب و سرانجام ۲ سال بعد، سال ۶۵، این کمونیست سالخورده از بند رست.

از آن پس رفیق ژیان فر پیوسته از سردردهای

مزمین می‌نالید. می‌گفت این سردردها در اثر چوب‌هائی است که به سرش زده‌اند. تا اینکه یک روز در ساختمان دادگستری دچار سکته مغزی شد و از پله‌ها سقوط کرد. او رابه بیمارستان منتقل کردند. دکتر معالج گفت: ضرباتی که بر سرش وارد شده بوده، سبب سکته مغزی گردیده است. بدینسان حزب توده ایران یکی از سربازان باوفای خود را از دست داد. یاد این افسر انقلابی را گرامی می‌داریم.

## ای آن که با طلوع دگر بارت...!

رفیق مرزاد دادگر در زندان شعری را به یاد همسر و فرزندانش بر یکی از لباس‌های گلدوزی کرده بود. این شعر که نشانگر عشق یابان ناپذیر این قهرمان توده‌ای به خانواده خویش است، چنین است:

ای روشنگر،  
ای که آمدنت از طلوع صبح  
می‌آورد پیام،  
ای آن که با طلوع دگر بارت  
شب می‌شود تمام،  
ای زهره‌وش، ستاره صبح امید من،  
ناهید من،  
بشنو پیام من که ز پیمان عشق تو  
تا زنده ام، نکشم دست پرنیاز

## به مامی نویسند

## پیش از اعلام "عفو عمومی"

\* "ما به بازجویی بردند. چند سؤال درباره حزب. بعد پرسیدند: شما مسلمان هستید؟ با آنکه در جریان هر بازجویی چنین سئوالهایی هم می‌شد، این بار احساس کردم وضع خیلی غیر عادی است. از سؤال بیکه خوردم. لحن بازجو، که بیک آخوند بود، بوی مرگ می‌داد. فهمیدم چه خبر است. گفتیم: بله. دوباره پرسیدند: شما مسلمان هستید؟ گفتیم: بله. گفتند: نماز می‌خوانید؟ گفتیم: خیر. گفتند: چگونه مسلمانان هستید که نماز نمی‌خوانید؟ گفتیم: مثل خیلی‌های دیگر که مسلمان هستند و نماز نمی‌خوانند، و درثانی من اینجانبان خواندن را نظاهر می‌دانم. اشرافی (دادستان) که شاهد بازجویی بود، فریاد زد: بپرید آنقدر برنیدش تا نماز بخواند.

\* "با ما بیک، بر دیوار توالیت بند اعلام خطر شده بود: "خطرا خطرا! مرتد = اعدام". زندانیان را گروه گروه به سوی اتاق بازجویی می‌بردند. کافی بود که زندانی روحیه‌اش را نیاخته باشد، محکم حرف برزند و صدایش نلرزد. هیئتی که درباره مرگ و زندگی زندانیان تصمیم می‌گرفت، اینها را دلیل مقاومت و ماندن بر سر عقاید می‌دانست. بعد، سؤال می‌شد: شما مسلمان هستید؟

\* در انتهای یکی از گورستانهای رشت، مشرف به جنگل، یک گور جمعی به ابعاد ۵×۲۰ متر کشف شد. مردم قصد شکافتن گور را کرده بودند، اما مزدوران رژیم روی گور را با میله گرد بافته پوشاندند و سپس رویش بتون ریختند.

\* یکی از زندانیان سیاسی آزاد شده، در مرداد ماه امسال ۶۰ تن از زندانیان سیاسی از زندان "در بند میاندوآب" به جای نامعلومی منتقل شدند. به احتمال قریب به یقین، همان زمان آنان را برده‌اند و اعدام کرده‌اند.

\* یک زندانی سیاسی، از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اثر فشار روانی ناشی از اعدام‌ها دست به خودکشی زد.

وی که رفیق شهبازی نام داشت، لیوانی را شکست و شکم خود را درید. هم‌بندان رفیق شهبازی به دست و پا افتادند و از زندانیان خواستند، اما هیچ اقدامی برای نجات او نشد. بدینسان، رفیق شهبازی در وضع بسیار دردناکی به شهادت رسید. یادش گرامی باد.

\* پنجشنبه دوازدهم بهمن (۶۷) گروهی از زنان اعدام شده مخفیانه در گورستان خاوران مدفون شدند. همچنین خیر اعدام ۱۷۰ زندانی سیاسی زن در اصفهان بر سر زیاتهاست.

\* یکم دیماه ۶۷، وسایل حدود صد نفر دیگر از اعدام شدگان رابه بستگان‌شان تحویل دادند.

\* در جریان قتل عامهای اخیر، فقط در زندان عادل آباد شیراز حدود ۴۰۰ نفر اعدام شدند. مجاهدین رادر گورستان عمومی شهر دفن کردند و اینستگان به نیروهای چپ رادر محلی جدا، البته بطور پراکنده.

حاضر به همکاری هستید؟ به سازمان و یا حزب خود وفادارید؟ و از این قبیل سئوالها. چه بسیار از زندانیان که تا آخر خط رفتند، چه حماسه‌هایی که نیافریدند...".

\* "محاکمه‌های فرمایشی بیش از چند دقیقه طول نمی‌کشید. جلادان با عنوان کردن سئوالهایی از این قبیل: آیا قول می‌دهی که همیشه نماز و روزه‌ات را ترک نکنی؟ ابراز انزجار از سازمان خود، قبول اسلام خمینی به عنوان عقیده و ایدئولوژی برحق، همکاری با رژیم در آینده - چه در زندان و چه بعد از آزادی، لو دادن افراد انقلابی و... پشت نکردن به عقاید و کوچکترین تعللی در پاسخها، یعنی صدور حکم اعدام و پس از چند دقیقه اجرای آن...".

\* زندانی سیاسی کرد در ملاقات با همسرش: "هر طوری شده کاری کنید که آزاد شوم. حداقل کاری کنید اعدام نشوم، چون در اینجا هر روز چند نفر اعدام می‌زنند".  
شما را اعدام شدگان در ارومیه چهار صد نفر تخمین زده می‌شود.

\* فقط در شانزدهم دی (۶۷) ۲۲ تن از مبارزان خلق کرد در مه‌باد اعدام شدند.

برگزاری مراسم سوگواری ممنوع بود. ماموران گوش به زنگ بودند تا می‌آید چنین مراسمی برگزار شود، در غیر اینصورت هجوم می‌بردند و هر کسی را که دستشان می‌رسید دستگیر می‌کردند. مثلا در جریان گرامیداشت شهید حسن محمدی چماق بدستان بپورش آوردند و بیش از چهل نفر را بازداشت کردند.

# جهانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران را محکوم می کنند

رسوایی رژیم "ولایت فقیه" در استرالیا

بدنبال انتشار اخبار مربوط به جنایات رژیم "ولایت فقیه" علیه زندانیان سیاسی کشورمان، گردهمایی باشکوهی با حضور تعداد کثیری از مومنان و نمایندگان نیروهای ترقیخواه و دمکراتیک استرالیا و چند کشور دیگر مقیم سیدنی برگزار گردید.



این گردهمایی که بدعت کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران تشکیل شده بود، با سخنرانی رئیس این کمیته پیرامون اوضاع اسفناک ایران و قتل عام اخیر زندانیان سیاسی آغاز گشت. این سخنرانی از آنجا که به بعد جنایات فاشیستی چند ماه اخیر سرمدان رژیم "ولایت فقیه" پرداخته بود، تاشر و تنفر همگان را برانگیخت.

سخنران بعدی نماینده شعبه سازمان عفو بین المللی در استرالیا بود. وی با تشریح نقض خشن حقوق بشر در ایران از زمان به روی کار آمدن رژیم ج.ا. تصریح کرد که جمهوری اسلامی از حکومتهایی است که با بی اعتنائی کامل به تمامی موازین اخلاقی و انسانی، آشکارا به پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق انسانها اصرار می ورزد.

نمایندگان "سازمان زنان دمکرات استرالیا"، "سازمان جهانی زنان برای صلح و آزادی"، "سازمان ترکهای دمکرات مقیم استرالیا"، "انجمن کردهای دمکرات"، "انجمن دمکراتهای عراقی"، "شیلیایی های مقیم استرالیا" و رفیق پیتر سایمن دبیر کل حزب سوسیالیست استرالیا سخنرانان بعدی میتینگ بودند که همگی طی سخنانی ضمن محکوم کردن جنایات وحشیانه حکام مرتجع رژیم ج.ا.آ. آمادگی خود را برای تلاش در جهت اعاده حقوق انسانی مردم ایران بیان داشتند.

یکی از رفقای توده ای که مدتی را در اسارت جلادان خمینی بسر برده با دادن گزارشی از رفتارها زندانیان سیاسی در ایران، شگفتی و تاشر حضار را برانگیخت. در پایان این گردهمایی سه ونیم ساعته قطعنامه ای تهیه و خوانده شد که مورد تأیید شرکت کنندگان قرار گرفت.

## خطر مرگ زنان ایران را تهدید می کند

روزنامه "مورنینگ استار" با استناد به اخبار مربوط به اعدام زندانیان سیاسی در ایران و نیز گزارشی که از سوی "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" منتشر می شوند، می نویسد: زندانیان سیاسی زن در ایران آخرین قربانیان چوخته های آتش رژیم خمینی هستند... و دادگاههای اسلامی مشغول محاکمه مجدد زندانیان زن هستند و زندانیانی که حاضر به توبه کردن نیستند به مرگ محکوم می شوند. این روزنامه در پایان مطلب خود تأکید می کند که جان صدها زن زندانی را خطر مرگ تهدید می کند.

## اعتصاب غذا در نیوکاسل

به ابتکار "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران"، اعتصاب غذای دوازده ای در شهر نیوکاسل در شمال بریتانیا برگزار گردید. این اعتصاب غذا از دفتر روزنامه محلی شهر با حضور همه نمایندگان پارلمان در منطقه آغاز گردید. این اعتصاب غذا همچنین از سوی شورای مرکزی اتحادیه های بریتانیا در شمال مورد حمایت قرار گرفت. تمامی روزنامه های محلی شهر نیوکاسل گزارش این اعتصاب غذا را که در اعتراض به موج اعدامهای اخیر در جمهوری اسلامی سازمان یافته بود، مفصلاً درج کردند. اعضا و هواداران حزب توده ایران و ۸ تن دیگر از سازمانهای برادر بریتانیایی در این اعتصاب غذای موفق که در صحن حیاط کلیسای سنت توماس در مرکز شهر نیوکاسل برگزار شد، شرکت داشتند.

## کارزار محکومیت رژیم در یونان

هواداران حزب توده ایران در یونان کارزار گسترده ای را بمنظور اعتراض نسبت به جنایات رژیم ج.ا. در زندانهای کشورمان براه انداختند. در این رابطه و نیز برای اطلاع افکار عمومی یونان از ابعاد جنایات، کشتار و قساوت بی حد و مرز حکام رژیم "ولایت فقیه"، ابتکارات گوناگونی بمورد اجرا گذارده شد.

بموازات تظاهرات ایستاده ای که از سوی "سازمانهای دانشجویی دمکراتیک و مهاجرین ایرانی در یونان" و با مشارکت فعال رفقای توده ای و فدائی (اکثریت) انجام گرفت، پلاکاردهای متعدد بزرگ و کوچک با شعارهایی چون: "به موج تازه اعدامها در زندانهای رژیم ج.ا. پایان داده شود"، "همه زندانیان سیاسی باید آزاد گردند"، "پهروز پاد مبارزات خلق برای سرنوشت رژیم ولایت فقیه"، "خمینی در کشتن زندانیان سیاسی از هیئتله پیشی گرفته است" و... در معرض دید مردم قرار گرفت. چاپ و پخش هزاران نسخه از اعلامیه های اخیر حزب پیرامون کشتارها در زندانهای ج.ا. برچسب های دیواری و دیویدت روزنامه دیواری با مطالب افشاگرانه و نیز اسامی رفقای اعدام شده و غیره در شهرهای آتن و سالونیک از جمله فعالیت های چشمگیری بود که افکار عمومی یونان را در جریان جنایات رژیم خونریز ج.ا. قرار داد.

اخبار مربوط به تظاهرات و علل و ابعاد آن از یکی از کانالهای رادیو در آتن پخش شد و روزنامه ریزوسپاستیس ارگان مرکزی حزب کمونیست یونان مطالبی را در این زمینه انتشار داد.

همچنین در جریان تظاهرات فراخوانی به ملت یونان در چند هزار نسخه پخش گردید. این فراخوان که جنبه افشاگرانه داشته و ابعاد جنایات و کشتارهای رژیم ج.ا. را به اطلاع مردم یونان می رساند، با تنفر و انزجار عمیق یونانیها نسبت به سران ددمنش ج.ا. روبرو شد. در این فراخوان همچنین از مردم آزاده یونان خواسته شده بود تا انزجار خود را از پایمال شدن حقوق انسانی در زندانهای ج.ا. اعلام و بگوش جهانیان برسانند.

## اتحادیه زنان دمکرات اتریش

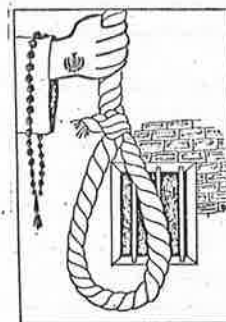
وین ۲۵ ژانویه ۱۹۸۹  
به: آیت الله خمینی  
آیت الله منتظری  
آیت الله موسوی اردبیلی  
حجت الاسلام رفسنجانی

با اندوهی ژرف خیر اعداها در ایران را شنیدیم. همچنین واقعیت زندانی بودن بسیاری زنان مردان آزادیخواه ایرانی و رهبران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران ما را وادار به واکنش می کند.

با تکرانی بزرگ دربارہ زندگی این زنان و مردان، ما بنام رعایت حقوق بشر شما را فرامی خوانیم:

به اعداها پایان دهید زیرا معنی آدمکشی است. ما بشما خطاب می کنیم: زندانیان سیاسی را آزاد کنید، زندانیان سیاسی که جز دمکراسی و آزادی برای خلق خود چیز دیگری نمی خواهند.

با احترام



## اعدام انسان های بیگناه

نامه زیر را به یورن انک هولم، نخست وزیر اشلزویک هولشتاین (آلمان فدرال) و برخی دیگر از شخصیت های این کشور به دولت رژیم جمهوری اسلامی، سفیر ایران در آلمان غربی، دولت فدرال و مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو نوشته اند:

"از آتش بس جنگ خلیج تا کتون هزاران زندانی سیاسی در ایران اعدام شده اند. پاره ای از این زندانیان پیش از این به چندین سال زندان محکوم گردیده بودند و برخی نیز دوران محکومیتشان به پایان رسیده بود.

در این میان، سازمان ملل متحد و "عفو بین المللی" این موج اعدام را محکوم کردند.

ما از دولت ایران می خواهیم، تا به اعدام انسانهای بیگناه پایان دهد و شرایط سفر کمیسیون رسیدگی بین المللی را به ایران بیدرتنگ فراهم آورد.

دولت فدرال (آلمان) را فرامی خوانیم تا از نفوذ خود برای قطع بلافاصله اعدامهای همگانی در ایران استفاده جوید."



## از کارخانه‌ها، زندگی و رزم کارگران

### توقف تولید در "ایران پویا"

روز ۲۶ دیماه، خط تولید یخچال در کارخانه "ایران پویا" ("جنرال استیل سابق") بعلت نرسیدن ورق آهن، تارسیدن ورق از خارج کاملاً متوقف شد. این کارخانه که در سال ۶۴ روزانه حدود هشتصد و پنجاه دستگاه یخچال تولید می‌کرد، تولید فصلی اش به حدود سیصد دستگاه رسیده بود.

### پنج سال جلوگیری

### از طرح طبقه‌بندی مشاغل

حدود پنج سال است که اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل جزو خواست‌های اساسی کارکنان "گروه صنعتی ملی" است. اجرای طرح در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید و بر اساس آن بایستی تاکنون طرح پیاده، حقوق و عقب افتادگی در این ۵ سال به کارگران پرداخت می‌شد. ولی مدیریت جدید این گروه صنعتی، شروع اجرای طرح را از سال ۶۷ می‌داند و هنوز هم آنرا شروع نکرده است. گروه صنعتی ملی ۲۷ کارخانه از جمله "کفش ملی"، "تسمه پروانه ملی" و "کفش فارس" را تحت پوشش دارد. تعداد کارگران و کارمندان "گروه صنعتی ملی" بیش از ۱۵ هزار نفر است.

### اخراج ۱۵۰ کارگر از "زمزم"

در کارخانه "زمزم" تهران، طی چندماه بیش از ۱۲۰ نفر از کارگران را اخراج کرده‌اند و ۲۰ نفر دیگر نیز در لیست اخراج قرار دارند. مسئولان کارخانه می‌گویند تعداد کارگران باید به مرز پیش از انقلاب برسد.

### اعتراف نامه به عدم اجرای طرح

کارگران کارخانه آلومکس در هفته آخر آبان ماه به خاطر عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل به اعتراض شدیدی دست زدند.

### مدیر دزد کتک خورد

مدیر "کارخانه ایران دو چرخ" بخاطر دزدی، آماج خشم و نفرت و ضرب و شتم کارگران قرار گرفت. در این اقدام جمعی علیه مدیر کارخانه، انجمن اسلامی و شورای اسلامی کارخانه نیز با کارگران همکاری نشان دادند.

### "پلی ویدنا"ی قزوین تعطیل شد

چرخ تولید کارخانه پلی وینای قزوین بعلت نداشتن مواد اولیه از کار افتاده است و حقوق کارگران را با کم کردن ماهانه هزار تومان می‌پردازند. تعدادی از کارگران خود را باز خرید کرده‌اند.

### در "گیلان جوراب" از مسکن خبری نیست

"کارخانه گیلان جوراب"، واقع در چاده رشت - لاهیجان، ۶۰۰ کارگر دارد. تعاونی مسکن کارخانه، پس از ۵ سال فعالیت، تا بحال حتی یک واحد مسکونی برای کارگران عضو ساخته است.

### پرشش اصول دین در "پوشش" رشت

در کارخانه "پوشش" رشت، کارگران را ده نفر، ده نفر به کارگزینی احضار و از آنها می‌پرسند که نماز و اصول دین را می‌دانند یا نه؟ پاسخ به این پرسش بدون پیامد نیست. جمعی را به یادگیری و جمع دیگری را به باز خرید ناگزیر ساخته‌اند. کارگران باز خرید شده، به ازای پرداخت ۱۰ روز حقوق برای هر سال سابقه کار باز خرید کرده‌اند.

### توقف تولید در "سیمان فارس"

در آبان ماه، بعلت فقدان مواد اولیه در واحدهای بزرگ سیمان فارس خوزستان، فروش و تولید این واحدها متوقف شد.

### پخش درخواست باز خرید

اخیراً زمزمه‌هایی درباره پخش درخواست باز خرید در بین کارگران در کارخانجات گوناگون از جمله "ایران خودرو"، "سایپا" بگوش می‌رسد.

### اخراج و باز خرید در "کلاهدوز"

در "کارخانه شهید کلاهدوز" واقع در چاده تهران - کرج که تحت مدیریت و مالکیت سپاه قرار دارد، اخیراً سیصد نفر از کارگران باز خرید و اخراج شده‌اند.

پس از پذیرش قطعنامه کارگران با دید بازتری نسبت به مسئله باز خرید و پیامدهای آن می‌نگرند و از فرم‌های باز خرید مگر عده انگشت شماری استقبال نمی‌کنند. احتمال می‌رود که مدیران و کارفرمایان برای تشویق کارگران به باز خرید، مزایای بیشتری نسبت به قبل پیشنهاد کنند.

### کاهش تولید در "آلومینیم البرز"

کارخانه "آلومینیم البرز" بدلیل کمبود مواد اولیه، تولیداتش کاهش پیدا کرده است.

### بهانه جدید برای کسر دستمزد

کارخانه "ایران خودرو" در سال‌های قبل بیش از ۱۲ هزار پرسنل داشت ولی در حال حاضر شش هزار پرسنل دارد. در این کارخانه بعلت قطع تمام مزایای کار، کارگران در وضعیتی دشوار بسر می‌برند. صبح دیدن این منظره که کارگران سابقه‌دار (با حدود ۲۰ سال سابقه کار) برای گذران زندگی تعدادی نان لواش را با سود ۵ ریال بمعرض فروش می‌گذارند، دل انسان را به درد می‌آورد. این کارگران شرافتمند از احترام خاصی نیز در بین همکاران خود برخوردارند.

عصرها نیز نگهبانی کارخانه کیسه یا نایلون دست کارگران را می‌گردند که مبادا آنها ساندویچ‌های نیمه خورده و دور انداخته را از کارخانه خارج کنند. نظایر چنین صحنه‌های تکان دهنده‌ای را از جمله در کارخانه "سایپا" می‌توان نقل کرد.

### شش هزار کارگر بی‌کار و گرسنه

به کلیه کارخانجات بخشنامه شده است که تحت عنوان کمک به بازسازی مبلغی از حقوق یا دستمزد کارکنان کسر کنند. حداقل "کمک" یک روز حقوق یا دستمزد تعیین گردیده است.

### توقف تولید در کارخانه "علاءالدین"

### و "سپهر"

در کارخانه علاءالدین از اوایل آذرماه سال جاری بدلیل نداشتن مواد اولیه، خط تولیدش متوقف شده است.

کارخانه سپهر الکتریک قزوین مدتی است که بعلت کمبود مواد اولیه تعطیل است.

### جای دردها عوض شد

رئیس، مدیر عامل شرکت "ایرالوم" ("بنیاد آلومینیم ایران") به اتهام حدود ۶ میلیون تومان سوء استفاده از کار پرکنار شد. گفته می‌شود علت اخراج و پرکناری او از پرداختن سهم مقامات بالاتر خود در "بنیاد مستضعفان" آب می‌خورد. حمید رضا فتاحی، رئیس سابق گروه ذوب فلزات "بنیاد مستضعفان" و معاون فعلی این "بنیاد" که چندی قبل، خود به اتهام دزدی و سوء استفاده‌های کلان مالی موقتاً از کار پرکنار شده بود، باردیگر با استفاده از نفوذ همدستان خود در سمتی بالاتر شروع به کار کرد.

### پادرمبانی شیخ برای آزادی مدیر دزد

مدیر کارخانه شیشه قزوین که در جریان راه اندازی ۴ کوره ۱۰۵ میلیون تومان اختلاس می‌کند، پس از روشن موضوع، بازداشت و پس از سه ساعت آزاد می‌شود. می‌گویند پادرمبانی شیخ قدرت علیخانی (رئیس کمیته قزوین) منجر به آزادی او شده است.

## بزرگداشت خاطره شهدای "فاجعه ملی" در آلمان فدرال

مراسم بزرگداشت شهدای حزب و جنبش در آلمان فدرال در تاریخ یازدهم مارس با شرکت بیش از ۴۰۰ تن در شهر کلن برپا گردید. در این مراسم که با سرودن شعری در گرامیداشت خاطره "تابناک" شهدای حزب و جنبش آغاز شده بود، مجموعه اسلایدی درباره تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران به نمایش درآمده. در ادامه، پیامی از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران خوانده شد و سپس نماینده حزب کمونیست آلمان و نیز یکی از مبارزان قدیمی جنبش ضدفاشیستی آلمان که سالها در اردوگاههای مرگ نازیها بسر برده بود در سخنرانیهای خود به حمایت قاطعانه از زندانیان سیاسی ایران پرداختند و پشتیبانی همه جانبه خویش را از مبارزات حزب توده ایران و دیگر مبارزان میهنمان اعلام داشتند. در ادامه برنامه تنی چند از خانوادههای زندانیان سیاسی، پیرامون رزم و مقاومت و ایثار فرزندان دلیر حزب سخن راندند که مورد استقبال فراوان قرار گرفت. بخش دیگری از مراسم به بازتاب فاجعه ملی کشتار

## "ادیسی" در هفتمین کنفرانس "فدراسیون دانشجویان هند"

هفتمین کنفرانس سراسری "فدراسیون دانشجویان هند" (ف.د.ه.) از تاریخ ۲۴ تا ۲۸ فوریه ۱۹۸۹ در شهر کلکنه، واقع در ایالت بنگال غربی هند با شرکت ۱۵۰۰ نماینده از ایالتهای هندوستان برگزار شد.

بنابه دعوت رسمی این سازمان نماینده ای از طرف سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادیسی) نیز در کنفرانس شرکت کرد. نماینده "ادیسی" در این کنفرانس طی پیامی به هفتمین کنفرانس سراسری "فدراسیون دانشجویان هند" ضمن تبریک و آرزوی موفقیت برای کنفرانس توجه شرکت کنندگان را به اوضاع ایران جلب و سیاست ضد دمکراتیک و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را در قبال دانشجویان و جنبش دانشجویی در ایران افشا کرد.

در این کنفرانس همچنین نماینده "ادیسی" طی جلساتی که با نمایندگان کشورهای خارجی داشت آنها را در جریان اوضاع و تحولات جامعه ایران قرار داد و بصورت مبسوط از وضعیت جنبش دانشجویی و خواستهای دانشجویان و مبارزه شان علیه رژیم ج.ا. صحبت کرد. در کنفرانس "ف.د.ه." در شهر کلکنه از طرف ادیسی نمایشگاه کتاب و عکس نیز برپا گردید، که مورد توجه و استقبال پرشور شرکت کنندگان واقع شد. در همین زمینه قطعنامه ای اعتراضی علیه کشتار جمعی زندانیان سیاسی در ایران توسط شرکت کنندگان امضا شد، که در آن امضا کنندگان ضمن محکوم کردن رژیم ج.ا. خواستار قطع اعدام زندانیان سیاسی و فرستادن نمایندگان از طرف سازمان ملل برای بررسی زندانهای ج.ا. شده اند. قطعنامه ای نیز از جانب کنفرانس "ف.د.ه." درباره اوضاع بین المللی مورد تصویب قرار گرفت که در بخشی از آن اعدای دسته جمعی زندانیان سیاسی توسط رژیم ج.ا. در ایران، شدیداً محکوم گردید.

### کمکهای مالی رسیده:

از ایتالیا	۱۸۱۵۰۰ لیر
رالف از کانادا	۵۰۰۰۰ لیر
دوست مهاجر در ایتالیا	
کمک به زندانیان سیاسی	۱۰۰۰۰ لیر
مادریک مهاجر در ایتالیا	
کمک به خانواده زندانیان سیاسی	۱۰۰۰۰ لیر

نشانه های عدم ثبات رژیم خمینی است. صرف نظر از نتیجه پایانی آن، ادامه مبارزه در جهت تضعیف حاکمیت ج.ا. عمل کرده و خواهد کرد.

### تغییر قانون اساسی باچه \*

جمهوری است. خامنه ای در گفتگو با "طلاب و روحانیون حوزه" علیه "قم" "دو دیدگاه" در مورد قانون اساسی را چنین جمع بندی می کند: "عده ای معتقد به حفظ قانون اساسی در شرایط کنونی هستند و هرگونه تغییر در آن را به صلاح انقلاب و کشور نمی دانند و نظر دیگر این است که قانون اساسی در اصول حفظ شود و در زمینه مدیریت و تشکیلات اصلاحاتی در آن انجام پذیرد." وی تصریح می کند: "پیشنهاد این بود که یاپست نخست وزیری حذف شود و با اینکه ریاست جمهوری صرفاً تشریفاتی باشد و کلیه امور اجرائی به عهده رئیس دولت محول شود." بدیهی است که نه هاشمی رفسنجانی (که "انتخاب" خود به ریاست جمهوری را امری محرز می داند) زیر بار "تشریفاتی" بودن مقام آینده اش می رود و نه کسی چون نخست وزیر و با هر کس دیگری که بجای او انتخاب شود حاضر است که اهرمهای قدرت را به سادگی به طرف مقابل تسلیم کند.

اما، صرف نظر از این درگیریها، که بی تردید بر سر موضوع فوق تشدید نیز خواهد شد، می بینیم که هر دو جناح عده معتقد به "حفظ اصول" در قانون اساسی هستند. یعنی علیرغم آن که هر کدام از آنها ممکن است بویژه اصل "ولایت فقیه" را دست و پا گیر بدانند، حذف آن از قانون اساسی را در شرایط کنونی به صلاح خود نمی بینند، زیرا می خواهند از آن چون چماقی علیه رقیب استفاده کنند. تشدید مبارزه میان دو جناح عده برای قبضه انحصاری حاکمیت یکی از بارزترین

### فعالیت مزدوران رژیم در ترکیه

"گون آیدی"، یکی از روزنامه های ترکیه، گزارش هایی از نحوه فعالیت عوامل جمهوری اسلامی در این کشور منتشر ساخته است. این گزارش ها که در شماره های ۷ و ۶ فوریه چاپ شده، براساس گزارش نیروهای امنیتی به مقامات بالای کشور تهیه شده است.

مطابق این گزارش ها، "ساواجا" مامورانی را به اسم دانشجوی، پناهنده و دیپلمات به ترکیه اعزام داشته که کار آنان شکار نیروهای مخالف رژیم ج.ا. از میان پناهندگان ایرانی، فروش مواد مخدر و تهیه گذرنامه های تقلبی برای فرستادن جاسوسان رژیم به کشورهای اروپایی و آمریکایی، قاچاق طلا و غیره است. در این گزارش ها حروف اول نام و نام خانوادگی ۷۸ تن از عوامل اصلی رژیم، مشخصات و نحوه فعالیت آنان در میان آوارگان ایرانی فاش شده و آمده است که سفارت ایران در استانبول مرکز سازماندهی فعالیت تروریست ها و مزدوران جمهوری اسلامی در ترکیه است. همچنین "گون آیدی" مینویسد که تروریست ها و جاسوسان جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدف های خود علیه فعالان سیاسی ضد رژیم از همکاری برخی باندها در ترکیه برخوردارند.

## برقرار باد "جبهه آزادی و صلح"؛ سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"!

NAMEH MARDOM

NO: 253

4 April 1989

Addresses: 1. P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden

2. Dr. W. SILBERMAYR, PF. 398, A-1141 WIEN, ÖSTERREICH

نشانی های ۱-

پستی ۲-

نامه مردم